

سرانه کارکنان خودروسازان ایرانی ۳ برابر دنیا

صفحه ۸ را بخوانید

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران
صدای نجفگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران و واحدهای
دانشگاهی ۳۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها ۲۰۰۰ تومان

شماره مسلسل ۴۳۳۳
مشتبه ۷ دی ۱۴۰۰
۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۳
۲۸ دسامبر ۲۰۲۱
شماره ۳۳۹۵

www.Fdn.ir | Tue | 28 Dec 2021 | vol.13 | No. 3495 | 16 Pages

فرهیختگان

تحلیل و بررسی آرایش نهایی ۲۲ فیلم جشنواره فجر

چهل سالگی فصل نو سینما

سازمان اوج
فیلمی ندارد

کارگردان
فیلم اولی

ملودرام
اجتماعی

فیلم تولیدی
فارابی

فیلم تولیدی
حوزه هنری

فیلم مشارکت
حوزه و فارابی

فیلم تاریخ انقلاب
و دفاع مقدس

صفحه‌های ۱۲ و ۱۳ را بخوانید



چرا فرانسه راهبرد اخلاق در مذاکرات وین را در دستور کار خود قرار داده است؟

دستفروش هتل کوبورگ

«۷»

ماجرای بی‌مهری به ایده‌های محیط‌زیستی دانشگاهیان

در گفت‌وگوی ۳ تن از فعالان دانشگاهی با «فرهیختگان» مطرح شد

«۶»

ورود به جزئیات برهبنای پیشنهاد ایران

دور جدید مذاکرات چطور شروع شد؟



«۷»

« گفت‌وگو

سیدرضا صدرالحسینی، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

چین و روسیه در سند مشترک همراهی قابل توجهی داشتند

« ترگس چهر قانی

روزنامه‌نگار

پیرامون سند مشترکی که ایران در دور جدید مذاکرات وین روی میز گذاشته است، با سیدرضا صدرالحسینی،

کارشناس مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداختیم. صدرالحسینی معتقد است علی‌رغم اینکه طرف‌های غربی تلاش کردند با این سند مشترک برخورد کنند، اما جمهوری اسلامی توانست برای فرآیند گفت‌وگوهای یک ریل‌گذاری انجام دهد که در این ریل‌گذاری اروپایی‌ها نه می‌توانستند به صورت منطقی و مستدل متن را رد کنند و نه می‌توانستند گفت‌وگوها را معطل نگه دارند. او می‌گوید: «دور تازه گفت‌وگوهای وین در شرایطی آغاز می‌شود که طرفین در دور قبلی توانستند به یک متن جدید به عنوان مبنای حرکت در مذاکرات دست پیدا کنند. در حقیقت این متن جدید، همان متن اسنادی است که جمهوری اسلامی در اختیار آنها قرار داد. در واقع به رسمیت شناخته شدن پیشنهاد ایران، درحالی‌جا افتادن و نهادینه شدن است. اگر این اتفاق نمی‌افتاد، مذاکرات متوقف می‌شد و طرفین مذاکره‌کننده متنی را برای مذاکره نداشتند. بنابراین، این نکته یکی از دستاوردهای مهمی است که ما در دور جدید مذاکرات با آن روبه‌رو هستیم. البته طرف‌های غربی خیلی تلاش کردند که با صدور بیانه و اظهارنظرهای مختلف و فضای رسانه‌ای با یک نگرش منفی با این موضوع برخورد کنند اما هیات ایرانی بدون اینکه بخواهد امتیازی بدهد، براساس اسناد و مدارک مستند و مستدل کار را پیش برد. در حقیقت جمهوری اسلامی توانست برای فرآیند گفت‌وگوها یک ریل‌گذاری انجام دهد که در این ریل‌گذاری اروپایی‌ها نه می‌توانستند به صورت منطقی و مستدل متن را رد کنند و نه می‌توانستند گفت‌وگوها را معطل نگه دارند. در رابطه با همین مساله گفت‌وگوها و رایزنی‌هایی بین مقامات آمریکایی و رژیم صهیونیستی صورت گرفت و حتی در این مورد گزینه‌های جایگزین هم مطرح شد که همه این مسائل به همراه تهدیدات نظامی غیرمعتبر بود. این اقدام آنها نشان دهنده سردرگمی راهبردی است که طرف‌های غربی با آن رودررو هستند. از طرف دیگر نشان دهنده راه مشخص یا راهبرد مشخص در جمهوری اسلامی برای به نتیجه رساندن گفت‌وگوهاست. بسیاری از کارشناسان منصف و بی‌طرف نسبت به این مساله اظهارنظر کردند که جمهوری اسلامی با دست پر وارد مذاکرات شده و ارزیابی‌ها هم نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی از تهدیدات نپرسیده‌ها حتی این تهدیدات را بی‌اعتبار نیز کرده است. البته میدانم که توانست به مذاکره‌کنندگان کمک کند. رزمایش پیامبر اعظم ۱۷ هم بسیار کمک کرد. در واقع پیام صلح و دوستی این رزمایش هم به کشورهای همسایه رسید و هم پیام اقتدار را به دشمنان جمهوری اسلامی رساند و به آنها نشان داد که فشار حداکثری در حوزه اقتصادی و تهدیدات سیاسی و رسانه‌ای نمی‌تواند جمهوری اسلامی را از مسیر خودش خارج کند.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل درباره ارتباط پیش‌نویس چند هفته گذشته با سند مشترک جدید گفت: «این اسناد مشترک با بعضی از صفحات پیش‌نویس به توافق نرسیده و امضا نشده ۶ دور مذاکرات قبلی متفاوت است. به دلیل اینکه بعضی از آن توافق‌های اولیه یا پیش‌نویس توافق‌ها با متن و محتوای برجام در تناقض بود جمهوری اسلامی در این اسناد جدید تلاش کرده براساس متن و محتوای برجام اسناد خودش

را تنظیم کند. به همین دلیل است که سندیت و استدلال جمهوری اسلامی درحال حاضر کاملا پذیرفته شده است.» صدرالحسینی در رابطه با موضع روسیه و چین در رابطه با اسناد مشترک ارائه شده از جانب ایران گفت: «چین و روسیه در ارتباط با اسنادی که ما در اختیار ۱+۴ گذاشتیم، با جمهوری اسلامی همراهی قابل توجهی را داشتند تا حدی که آنها غرب و آمریکا را در شدت تحریم‌ها علیه ایران محکوم کردند.» او در ادامه نیز ابراز داشت: «ما باید توجه داشته باشیم که نگاه جمهوری اسلامی به شرق توانسته است بسیاری از مشکلات ما یا غربی‌ها را حل کند. اما اینکه این اسناد مشترک با همکاری روسیه و چین نوشته شده یا نوشته نشده، موضوعی است که شرایطش روشن نیست. بالاخره این سندی است که ایران ارائه داده و روسیه و چین هم همکاری کردند. در این مساله چند نکته هم مطرح است. لاوروف گفته که غرب واقعیت را غیرواقعی جلوه می‌دهد. نکته بعدی این است که او اقرار به توانمندی‌های سانتریفویژهای هوشمند ما دارد. نکته دیگر اینکه کاری که ما می‌کنیم، یک راه‌حل خوب است و آمریکایی‌ها باید به این راه‌حل توجه کنند و بی‌توجهی آمریکا که تعهدات مشترک را لغو کرده، باعث این خواهد شد که مجدداً مساله برجام به بی‌نت برسد. در حقیقت این همراهی وزیر امور خارجه نکته بسیار مهمی است. البته ما از چین انتظار نداریم که خیلی از مسائل و موضوعات را به صورت رسمی بگوید ولی روسیه کاملاً این مساله را گرفته است که غربی‌ها دارند واقعیت را برعکس جلوه می‌دهند.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل در پایان به چشم‌انداز مذاکرات دور هشتم پرداخت و تأکید کرد که ایران علاقه‌مند است در مذاکرات به نتیجه مطلوب برسد اما برای به نتیجه رساندن مذاکرات در اضطرار نیست. او معتقد است: «چشم‌انداز مذاکرات فعلی چند نکته مهم دارد. اول؛ با وجود اینکه ایران علاقه‌مند است در زمانی کوتاه به نتیجه مطلوب برسد، اما برای توافق در اضطرار نیست. این نکته عدم اضطرار جمهوری اسلامی خیلی مهم است چون در طول دو ماه گذشته تلاش رسانه‌ای و سیاسی غرب بر این بود که جمهوری اسلامی در اضطرار قرار بگیرد و سریع بدون رسیدن به نتایج مطلوب خودش تصمیم‌گیری بکند. ما برای رسیدن به توافق ضمن علاقه‌مندی برای به نتیجه رساندن توافق، اما اصول و خطوط قرمز خودمان را داریم و این اصول نمی‌تواند توسط فضا سازی رسانه‌ای شکسته شود و ما در یک قالب اضطرار قرار بگیریم. دوم؛ ما در این رابطه باید توجه داشته باشیم که ما توانستیم با دستیابی به بعضی از منابع انرژی خودمان پیشرفت‌هایی را به دست بیاوریم و در مساله اقتصاد اضطرار شدیدی نداریم و توانستیم شرایط را در داخل کشور از جهت بودجه ۱۴۰۱ به گونه‌ای مدیریت کنیم که تحریم‌ها هم نمی‌تواند برای ما شرایط اضطرار ایجاد کند و سوم، مساله آمادگی ما برای دفع هرگونه تجاوز نظامی است. این مساله هم نمی‌تواند ما را در یک اضطرار قرار بدهد. اگر دولت آمریکا در این دام بیفتد، همان طور که ترامپ آن را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند، مثلاً اگر در ابهام بیشتری فرو خواهد برد. بنابراین طرف‌های مذاکره‌ما باید بدانند که ما در یک شرایط عادی داریم گفت‌وگویی کنیم و نمی‌توانند از طریق افزایش فشار اقتصادی، رسانه‌ای، سیاسی و تهدیدات نظامی، جمهوری اسلامی را به یک توافقی برسانند که منافع او در آن توافق نباشد.»

« یادداشت

« ناصر ترابی

مدیر اندیشکده جهادی

اکنون که در آغاز گام دوم انقلاب وسال‌های ابتدایی دهه پنجم نظام جمهوری اسلامی هستیم و حدود دودها از عمر حرکت‌های جهادی کشور می‌گذرد و این نهال نوپا که پس از ذبح جهاد سازندگی بارقه‌های امید را در دل دوستداران انقلاب و پیروان آرمان‌های آن پدید آورد، اکنون تبدیل به شجره طیبه تنومند و جریان‌خورد، خودجوش و پویا شده است، ولیکن این روند و سیورت بی‌عیب و نقص و خط و خطاهم نبوده که از آن اجتنابی نیست و بروز این عیوب و معضلات هم طبیعی است و به بالندگی این جریان و افراد و نخله‌های درون جریان قطعاً کمک خواهد کرد و چه بهتر که در این مسیر پرفراز و نشیب و پرمنازع از تجربیات گذشته بیشترین استفاده و بهره‌مندی را ببریم و با نگاه به آینده همراه آسیب و آفت‌شناسی گذشته اشتباهات، تهدیدها، خطاها و معضلات را به کمینه خود برسانیم و از فرصت‌ها، ظرفیت‌ها، نقاط قوت و توانمندی‌های پیشینه بهره‌ابرییم. بر این اساس و با در نظر گرفتن قابلیت‌ها و فعالیت‌ها سعی می‌کنیم در سلسله‌مقالاتی ضمن بررسی افعال و اقدامات ماضی، راهکار و راه‌حلی ارائه کنیم برای آتی تا شاید بتوانیم کسانی که دل در گروی اهداف والای انقلاب اسلامی را دارند و می‌دانند راه نجات و نسخه شفابخش مشکلات و بحران‌های نظام، همین تفکر و روحیه جهادی است را کمی خرسند کنیم.

در یک تقسیم‌بندی کلی بازنگران اصلی جریان جهادی را می‌توان به دو بخش مردم و حاکمیت تقسیم کرد، البته این بازی یک بازیگردان دارد به نام رهبری نظام که در زمان مناسب راهبری و مدیریت لازم را به نواحی اعمال می‌کنند و در این مقال نیاز و مجال نیست به این موضوع بپردازیم بلکه باید دو لایه دیگر را بیشتر و دقیق مورد مذاقه و کنش‌کار قرار دهیم.

در لایه حاکمیت حرف و سخن در خصوص نحوه ورود و اقدامات انجام‌شده فراوان است و در بخش‌ها و وساحت‌های متفاوت می‌توان آن را بررسی و تجزیه و تحلیل کرد که خود حاکمیت نیز دارای سطوح و سازمان‌های متفاوتی است که واکاوی آن در برهه‌های مختلف، زمان و مکان دیگری می‌طلبد اما در اینجا هرجا حاکمیت صحبت می‌کنیم در واقع ضمن نگاهی به کلیت بدنه حاکمیت در مجموعه نظام، توجه ویژه‌ای خواهیم داشت به مجموعه سازمان بسیج سازندگی و در واقع در این راستا حرکتی از کل به جز و برعکس داریم و رفت‌وآمدی دیالکتیکی خواهیم داشت بین این کل و جز و خرد و کلان.

« استعاره‌ها با ما سخن می‌گویند

استعاره‌ها و تشبیه‌ها و تمثیل‌ها در واقع مغز و گوهر وجودی یک تفکر و اندیشه است. مدتی است که صاحب‌نظران اندیشه سیاسی اهمیت آن را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند، مثلاً اگر شما برای توجیه و برعکس جایگاه دولت از استعاره «چوپان‌گله» استفاده کنید یک نوع بازخورد از اندیشه شما در ذهن مخاطب عام و خاص متبلور می‌شود و اگر از استعاره «مدرسه» یا «پادگان» استفاده کنید، برون‌داد آن نوعی دیگر است.

هدایت جهادی

نمی‌دانم اولین بار چه کس یا چه کسانی از استعاره «نخ تسبیح» در مدیریت حرکت‌های مردمی استفاده کردند تا آن‌ها با این هدف و الگو که دانه‌های تسبیح (گروه‌های مردمی) که پراکنده و واگرا هستند نیاز به یک نخ تسبیح دارند تا آنان را در یک مجموعه و منظومه منظم و متشکل جمع و در یک راستا هدایت کند که این وظیفه نیز با حکومت و حاکمیت است. گذر از اینکه این استعاره ممکن است در بسیاری از امور صحیح و کاربردی باشد، باید توجه کرد که این استعاره در جریان جهادی (و بسیاری از امور دیگر) کاربرد ندارد و استفاده از آن باعث می‌شود ضمن استهلاک توان‌های هم‌افزا، شایک و اصطکاک‌گندمانی در وسط‌افقی نیروهای مردمی و عمدی (سازمان‌ها و دستگاه‌های حاکمیتی) داشته باشیم. بر این تمثیل چند ایراد اصلی وارد است.

یک: همسان‌پنداری دانه‌ها؛ اشکال اصلی این تفکر این است که نیروهای مردمی (بخوانید گروه‌های جهادی) را مانند دانه‌های تسبیح یک‌شکل و یک اندازه می‌بیند و برای هر کدام کارکردی مشابه متصور می‌شود در صورتی که در واقعیت این طور نیست بلکه هر کدام از این نیروهای مردمی کارکردها و کاربازهایی خاص خود را دارند، شاید تشابه هدف یا رویکرد یا خط‌مشی و مدل فعالیت داشته باشند اما بسیاری از آنها چه در مبدأ چه در روش، منش و حتی بیش‌باید یکدیگر متفاوت هستند و نمی‌توان همه آنها را با یک عینک دید.

دو: بی‌خاصیتی دانه‌ها؛ از آنجا که دانه تسبیح به تنهایی هیچ کاربردی ندارد لذا نیازمند یک نخ تسبیح هستند تا به عنوان محور فعالیت و هویت بخش به آنها هویت و معنا دهد تا بتوانند فعالیت کاربردی (آن هم کاربرد تک‌محصولی) داشته باشند؛ اما در جهان واقعی این طور نیست، این گروه‌ها در مدل موازیکی فعالیت می‌کنند و هر کدام به تنهایی حای و حامل یک معنا و مفهوم و کارآمدی خاصی هستند و هویت خود را از نخ تسبیح نمی‌گیرند، چه بسا وقتی تاریخچه جریان جهادی را بررسی می‌کنیم، گروه‌های جهادی پیش از سازمان‌های جهادی شکل گرفتند و این موضوع در دستوراتی که مقام معظم رهبری برای تشکیل و حمایت از گروه‌های جهادی فرموده‌اند نیز متبلور و ساری و جاری است.

سه: تغییر ثقل جریان؛ در تاریخ انقلاب و شیعه شاهد و ناظر هستیم که هرگاه مردم حامی ولی و حکومت بودند پیروزی‌ها می‌شد و این دکتترین می‌تواند مانند یک سم مهلک در میان و بلندمدت و به صورت کاملاً آرام و نرم، ضربات مهلکی را به بدنه انقلاب و پایه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و مردم که صاحبان اصلی انقلاب هستند، بزند.

« تبدیل جایگزین

در مقام ارائه راه‌حل و راهکار باید استعاره‌ای جایگزین برای استعاره قبل مطرح کرد (راهکار راهکار و راهبرد پیشنهادی وسیعی در اجرای آن مرز بین نقرزدن و غرزدن و حرکت و حرکت جهادی است) بر این اساس کمی از استعاره «بالشتک جاسوزنی» اندرو هیوود (Andrew Heywood) در کتاب «سیاست» وام می‌گیرم. ضرورت هم‌افزایی، هم‌راستایی بردارهای پراکنده توانمند مردمی بر کسی پوشیده نیست اما به نظر نگارنده، این نخ تسبیح نیست که می‌تواند این بردارهای کوتاه و بلند و غیر هم‌راستا را در یک راستا قرار دهد بلکه کاربزه دولت و حاکمیت در کشور تغییر کرده و باید به اصل بازگردد و در جای خود قرار گیرد.

گروه‌های جهادی و نیروهای مردمی مانند دانه تسبیح یک‌شکل و با کارکرد مشابه نیستند بلکه این نیروها مانند سوزن می‌مانند، بعضی سوزن ته‌گرد هستند، بعضی سوزن چرخ‌خیاطی، بعضی سوزن دوخت و دووز دستی، برخی برای لحاف‌دوزی ساخته شده‌اند و... هر یک کاربرد ویژه‌ای دارند و در جای خود مهم هستند. شما نمی‌توانید از جوال‌دوز به عنوان سوزن ته‌گرد استفاده کنید و برعکس در عین اینکه هر دو مفید و کارا هستند. این سوزن‌ها نیاز به نیروی دیگری ندارند تا معنا و هویت پیدا کرده و بتوانند فعالیت کنند، هر یک به تنهایی در جای خود مهم هستند و چه بسا چرخ‌خیاطی با تمام امکانات و بیچیدگی‌های فنی و فناوری بالادین سوزن کوچک‌کار را می‌آفند و بی‌خاصیت می‌شود. در عین اینکه این سوزن‌ها اصل و ذاتی یک‌شکل دارند اما الزاماً ظاهر آنان دقیقاً شبیه هم نیست اما اگر این سوزن‌ها را شونند و در محل مناسب خود قرار بگیرند و هدایت نشوند چه‌بسا آسیب‌رسان هم باشند، لذا لازم است محلی برای تجمع آنها فراهم‌دید. این محل می‌تواند محل هدایت، آموزش، تنظیم و گسترش و تولید باشد.

بالشتک جاسوزنی باید جاذب نیروها و مبدل آنان باشد پس باید به بلوغ لازم برسد تا با برون‌سپاری و انعطاف‌پذیری در یک میان‌داد غیرتصدی‌گر و فرآیند‌باز درون‌داده‌های مختلف را تبدیل به برون‌داده‌های مطلوب کند.

نهادها و سازمان‌های مسئول باید از اقدام و عملیات‌هایی که گروه‌های مردمی می‌توانند به صورت بالفعل انجام دهند جدا بهره‌ریند و آنان را به مردم بسپارند و حتی در مواردی که در آینده این گروه‌ها می‌توانند از بالقوه به بالفعل تبدیل شوند حامی و پشتیبان آنان باشند و به این بلوغ و درک برسند که به جای برادری و رقابت، پدری کنند و در وساحت‌های والا تر، بزرگ‌تر و مهم‌تر ورود کنند، اموری که کمتر به آنان پرداخته شده که ضروری‌تر نیز هستند مانند: سیاست‌گذاری، تسهیل‌گری، تنظیم‌کننده، شتاب‌دهنده و حتی آرتش‌باز دهنده و در کل فعالیت‌های کلان را. نگاهی بلندنظرانه که شأن حاکمیت است، ما کروینگریم نه میکرو. در پایان توجه مخاطبان به ویژه مسئولان را به این موضوع جلب می‌کنم که باید آینده‌را ساخت و زودتر از حوادث آنها را کنترل کرد مگر نه اسیر رخدادها خواهیم شد و چاره‌ای نداریم که به تغییرات تن‌دهیم، تغییراتی که شاید مطابق میل ما نباشد.